

# چگونگی بهره‌برداری از عقل در کتاب و سنت

کد موضوعی: ۳۳۰

شماره مسلسل: ۱۵۳۶۴

دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی

اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۲.....	مقدمه.....
۷.....	چگونگی بهره‌برداری از عقل.....
۸.....	عرصه علم.....
۱۳.....	نحوه بهره‌گیری از عقل در سیره پیامبر اسلام (ص).....
۱۹.....	شاخص‌های استفاده از عقل در نظر و عمل.....
۲۰.....	نتیجه‌گیری.....
۲۱.....	منابع و مأخذ.....



## چگونگی بهره‌برداری از عقل در کتاب و سنت

### چکیده

در این گزارش به اختصار چگونگی بهره‌برداری از عقل در کتاب و سنت مورد بحث قرار گرفته است.

در مقدمه با اشاره به بازگشت اختلاف‌های بشر از فهم عقل و التزام به آن بیان شد که تا عقل در وجود انسان به ظهور نرسد نمی‌توان توقع درک و رفتار عقلانی از او داشت و البته هرگاه عقل پدیدار شود، شیوه خود را در عرصه علم و عمل آشکار می‌سازد. عقل در زمینه کسب علم در موضوعات تجربی از روش‌های تجربی و در موضوعات غیرتجربی از روش‌های تحلیل منطقی بهره می‌گیرد و بر این اساس در عرصه عمل پس از شناخت موضوع، ملاک عمل، شرایط و موانع اجراء، الگو و فرآیند عملی متناسب با دستیابی به هدف اقدامات لازم را انجام می‌دهد.

در این مختصر با استشهاد به برخی آیات و روایات بیان شده که شیوه مستفاد از کتاب و سنت نیز همین است و به‌عنوان شاهد نمونه‌هایی از سیره عملی پیامبر اسلام (ص) در این زمینه عرضه شده و در نهایت با ذکر شاخص‌های استفاده از عقل بحث خاتمه یافته است.

## مقدمه

در دو گزارش دیگر که در این زمینه تدوین شده‌اند «عقل، ماهیت و شئون آن» در متن کتاب و سنت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. گفته شد شیوه<sup>۱</sup> و چگونگی استفاده از متن کتاب نیز عقلانی است. در این گزارش هدف آن است که چگونگی بهره‌برداری از عقل به‌طور کلی مورد بحث قرار گیرد.

بحث با توجه به این واقعیت آغاز می‌شود که در جامعه بشری همواره کسانی که در عرصه‌های مختلف مطرح بوده‌اند افکار و رفتار خود را عقلانی دانسته‌اند حال آنکه در نظر، عمل و رفتار آنها تفاوت و تضاد اساسی وجود داشته است. به‌عنوان مثال یکی بر سر ضعیفان بمب می‌ریزد، یکی از آنها حمایت می‌کند، یکی به اصولی پایبند است که محروم می‌سازد و دیگری به اصولی که محرومیت می‌زداید.

اکنون این پرسش مطرح است که اگر هر دو از عقل به یک معنا بهره گرفته‌اند پس منشأ این اختلاف‌ها چیست؟ آیا شیوه‌های استفاده آنها از عقل در موضوع واحد متفاوت است؟ یا اینکه همه آنها از عقل در یک سطح و به یک مفهوم استفاده نمی‌کنند؟ به‌طور قطع اگر همگان از عقل به مفهومی که از آیات و روایات استفاده شد [که ادراک بازدارنده از بدی است و بدی را هم دور شدن از تقوا، اخلاق، انسانیت و خدا تعریف کرده‌اند] بهره می‌گرفتند اختلافات اساسی در میان آنان بروز نمی‌کرد و اکنون

۱. شیوه در لغت به‌معنای راه، روش و طریقه است (عمید، فرهنگ عمید) و در این نوشته به‌معنای روش به‌کار می‌رود.



که بروز کرده، معلوم می‌شود که از عقل به یک مفهوم بهره نمی‌گیرند.<sup>۱</sup> ضمن اینکه گاهی رفتار یک طرف عقلانی نیست و گاهی هر دو طرف.

به‌طور مثال رفتار پیامبران بزرگ خدا (ع) را با فرعون‌هایی که در هر زمان هستند مقایسه می‌کنیم. به‌عنوان مثال پیامبر اسلام (ص) با فروتنی، رحمت، لینت، عفو و رعایت حقوق افراد، آنها را اداره و به‌سوی خیر و کمال راهبری می‌کردند. چنان‌که کلام وحی می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ: ۲» پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن». مخالفان آن حضرت با تکبر، غضب، درشتخویی، قتل، تضییع حقوق افراد و خیانت و فجور که همه از نشانه‌های بی‌خردی است، به هدف بقای خود رفتار می‌کردند. چنان‌که هم‌اکنون نیز چنین رفتار می‌کنند و نتیجه‌ای جز انحراف از خیر و کمال نداشته است. خداوند سبحان از برخی مخالفان پیامبران خبر می‌دهد، مانند فرعون. قرآن در آیات متعدد شیوه او را بیان می‌کند تا درس عبرتی باشد برای همگان در طول تاریخ. از جمله می‌فرماید: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ مِنْهُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ: ۳» فرعون در سرزمین [مصر] سر برافراشت و مردم آن را طبقه طبقه ساخت؛ طبقه‌ای از آنان را زبون

---

۱. استفاده از عقل در سطوح مختلف موجب تضاد در فکر و عمل نمی‌شود مانند استدلال پیرزن چرخ‌ریس و فیلسوف خداشناس بر وجود خدا.

۲. سوره آل عمران: ۳، آیه ۱۵۹.

۳. سوره قصص: ۲۸، آیه ۴.

می‌داشت: پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را [برای بهره‌کشی] زنده بر جای می‌گذاشت، که وی از فسادکاران بود» و می‌فرماید: فرعون روشی طغیانگرانه (أَذْهَبَ إِلَيَّ فِرْعَوْنُ إِنَّهُ طَغَى) <sup>۱</sup> و مسرفانه (وَ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ) <sup>۲</sup> داشت که در آخر منجر به انحراف قومش از خیر و کمال شد. وَ أَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَ مَا هَدَى. <sup>۳</sup>

از دید برخی عقل <sup>۴</sup> آن است که با آن منافع و مصالح دنیوی و زودگذر، صاحب خود را گرچه به قیمت حیف و میل اموال دیگران و اتلاف جان آنها باشد تأمین کند. در این صورت روش امثال فرعون عاقلانه بوده است و در مقابل روش کسی که به فضایل اخلاقی ملتزم بود، از بیت‌المال برای جلب دشمنان بهره نگرفت، فریب‌کاری نکرد، مخالفان خود را پیش از اقدام بازداشت نکرد، بدون حق کسی را نکشت و... عقلانی نیست! این در حالی است که اگر عقل بازدارنده از بدی‌ها در حوزه انسانی شکوفا شده و از آن به شیوه عقلانی استفاده شود، قطعاً بشر دنیای بهتری خواهد داشت.

۱. به سوی فرعون برو که وی سر برداشته است، سوره نازعات: ۷۹، آیه ۱۷.

۲. فرعون... از اسرافکاران بود، سوره یونس: ۱۰، آیه ۸۳.

۳. فرعون قوم خود را گمراه کرد و هدایت نمود، سوره طه: ۲۰، آیه ۷۹.

۴. این عقل در دنیای معاصر به عقل ابزاری شهره شده است. به عقیده آدورنو (۱۹۶۹ - ۱۹۰۳) «عقلانیت ابزاری یعنی عقلانیتی که تنها به رابطه هدف - وسیله می‌اندیشد، از همین رو اساس آن محاسبه این امر است که برای رسیدن به هدف چه وسیله‌ای مناسب است. با چنین نگرشی به امور غایت سعادت بشری به کلی فراموش می‌شود. سلطه تکنولوژی، سلطه بوروکراسی و غلبه انواع مناسبات ناخوشایند مثل از خود بیگانگی، شیء‌شدگی و غیره مظهر چنین پدیده‌ای است حتی فاشیسم به‌عنوان بزرگ‌ترین شر اجتماعی قرن بیستم حاصل تفکری از نوع همین عقلانیت ابزاری است». کمال پولادی، تاریخ اندیشه غرب، ج ۳، صص ۴۲ و ۴۳.



## ظهور عقل

قرآن کریم به طور مکرر خواستار رفتار عقلانی است، ولی پیش از هر چیز خواستار آن است که این گوهر در وجود انسان به فعلیت درآید. در آیاتی که می‌فرماید: «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»<sup>۱</sup> یا می‌فرماید: «أَفَلَا تَعْقِلُونَ»<sup>۲</sup> به کار افتادن عقل را می‌خواهد و در برخی دیگر که می‌گوید: ای پیامبر تو فقط تذکردهنده‌ای: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ»<sup>۳</sup> منظور آن است که تذکر ده تا عقل آنها شکوفا گردد و از قیدوبند جهل و غفلت و اسارت هوای نفس خارج شود. چنان که در برخی دیگر از آیات که به عدم ادراک عقلانی آنها اشاره کرده و می‌گوید: «قلب آنها را غافل ساختیم»<sup>۴</sup> یا می‌گوید: «خداوند بر قلب آنها مهر نهاد»<sup>۵</sup> یا می‌فرماید: «قلب‌های درون سینه‌ها کور است»<sup>۶</sup> می‌خواهد بگوید آنها دچار غفلت هستند و درک عقلانی ندارند. پس باید توجه پیدا کنند و مهر از قلبشان برداشته شود تا ببینند و به فهم عقلانی برسند و از برخی رفتارها دست بردارند.

در روایات نیز در مواردی که می‌فرماید: پیامبران برای برانگیختن عقول مبعوث شده‌اند<sup>۷</sup> و در جایی که عقل را میرانده و نفس را احیا کرده می‌گوید: عقل را احیا کرده و

۱. سوره بقره: ۲، آیه ۷۳.

۲. سوره بقره: ۲، آیه ۱۴۴.

۳. سوره غاشیه: ۸۸، آیه ۲۱.

۴. وَلَا تُطِيعُ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ دِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا، سوره كهف: ۱۸، آیه ۲۸.

۵. وَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ، (سوره توبه: ۹، آیه ۹۳)، و در جای دیگر می‌فرماید: أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ، سوره محمد: ۴۷، آیه ۱۶.

۶. فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ، سوره حج: ۲۲، آیه ۴۶.

۷. لیشیروا لهم دفائن عقولهم، فیض الاسلام، نهج البلاغه، ص ۳۳.

نفس را میرانده است<sup>۱</sup> و یا می‌فرماید: عقل اسیر هوای نفس است،<sup>۲</sup> منظور آن است که عقل از اسارت خارج و موانع فهم عقلانی از میان برداشته و به عقل میدان داده شود و با به‌کارگیری آن را تقویت کرده و از راهزنی هوای نفس مصون دارد.

کتاب و سنت در گزاره‌های متعدد خواستار آنند که توانایی و استعدادی که آن را عقل می‌دانند به فعلیت درآید و از آن استفاده شود و همین که عقل پدید آمد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت، کافی است. مثل توانایی دیدن توسط چشم که اگر وجود داشته باشد و از آن استفاده شود کافی است و هر چه در مقابل آن قرار می‌گیرد را می‌بیند. بله می‌توان گفت چشمتان را باز کنید، به‌دقت نگاه کنید، چشمتان را بشوید تا بدون غبار و مانع ببینید، اما نمی‌توان به چشم آموخت چگونه ببیند. دیدن کار چشم است، پس تا باز شد و بر چیزی دیدنی متمرکز شد کار خود را انجام می‌دهد.

درک و تشخیص خوب و بد، حسن و قبیح، مصلحت و مفسده، حق و باطل و صدق و کذب کار عقل است و انسان باید به دنبال آن باشد که به عقل برسد و آنرا به‌کار گیرد. عقل در مواجهه با هر امری اعم از نظری یا عملی صدق و کذب یا خوب و بد آن را نشان می‌دهد و به انجام خوب‌ها و اجتناب از بدها حکم می‌کند و اگر انسان از بدی در فکر و قول و عمل اجتناب نکرد معنایش این است که یا عقل ندارد و به مرتبه عقل نرسیده است یا از عقلش بهره نمی‌گیرد و در عمل تابع ظن، وهم یا هوای نفس<sup>۳</sup> شده است

۱. قَدْ أَحْيَا عَقْلَهُ وَ أَمَاتَ نَفْسَهُ، همان، ص ۶۹۲.

۲. کم من عقل اسیر عند هوی امیر، همان، ص ۱۱۸۲.

۳. در روایت از امام باقر (ع) نقل است که فرمود: لا یزنی الزانی حین یزنی و هو مؤمن و لا یسرق السارق حین یسرق و هو مؤمن فانه اذا فعل ذلک خلع عنه الایمان کخلع القمیص: زانی وقتی گناه می‌کند در حین گناه مؤمن نیست، یعنی در آن لحظه ایمانش را کنار گذاشته است (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۲). روایت نبوی است و در محججه‌البیضاء، ج ۷، ص ۱۳ نقل شده است و کلام امام باقر (ع) درواقع نقل و بیان آن است.



گرچه نام آن را عقل بگذارند، البته عقل در فهم و حکم خود درباره موضوعات شیوه خود را دارد که لازم است به آن اشاره شود.

### چگونگی بهره‌برداری از عقل

با توجه به مباحث پیشین می‌توان گفت عقل جوهری است که ممکن است در اختیار انسان قرار گیرد تا موضوعات مورد ابتلای صاحب خود را از جهت بود و نبودشان و بودها را از حیث تأثیر آنها در سیرش به سوی هدف مورد مطالعه قرار داده و علم و معرفت لازم را کسب کند. در این زمینه باید توجه داشت که:

۱. عقل شیوه بهره‌گیری از خود را می‌داند؛ لذا وقتی در بحث از شیوه استفاده از عقل در کتاب و سنت آیه یا روایتی مطرح می‌شود مفاد آنها ارشاد<sup>۱</sup> به فهم و حکم عقل است. عقل خود می‌فهمد که صاحبش چه چیزی را نمی‌داند و یک راه کسب دانش آن است که خود آستین همت بالا زند و تحقیق کند و یک راه آن است که از دیگری بپرسد. پس اگر خداوند می‌فرماید: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup> اگر نمی‌دانید از اهل ذکر بپرسید» می‌خواهد عقل را رشد دهد. درحالی که عقل رشد یافته نیازی به این آیه ندارد؛ لذا مردمانی که قرآن را نمی‌شناسند نیز هرگاه ندانند می‌پرسند و از دانا و خبره امر سؤال می‌کنند و اطلاعات لازم را گردآوری می‌کنند تا بتوانند به صدق و کذب یا خوب و بد یا حدود موضوع برسند.

---

۱. مراد از آیات ارشادی آیاتی هستند که می‌خواهند به بشر نشان دهند که اگر رشد کند و به مرتبه عقل برسد همین را می‌گوید. مانند آیه اطیعواالله و اطیعواالرسول و اولی الامر منکم..(نساء: ۴، آیه ۵۹) اگر عقل احکام خدا و رسول و صاحبان امر را ببیند و آنها را خوب و عادلانه ارزیابی کند، خود حکم می‌کند به اطاعت از آنها در این صورت این آیه ارشادی است. مگر اینکه گفته شود خدا احکامی دارد که عقل نمی‌فهمد و در آن قسمت حکم مولوی است.

۲. سوره نحل: ۱۶، آیه ۴۳.

۲. منظور از روش بهره‌گیری از عقل آن است که از عقل -که برای رسیدن به هدفی در نهاد انسان قرار گرفته است- چگونه استفاده کنیم؟  
گفته شد استفاده از عقل منوط به آن است که:

**الف)** عقل خود شناخته شود، به دست آید و رشد داده شود.

**ب)** در جای خودش به کار رود پس اگر عقل اعطا شده تا از آن استفاده شود، باید در این موقعیت قرار گیرد و این فرصت به او داده شود که مسئله‌ای را حل کند، حقیقتی را بیابد و علتی را دریابد و غایتی را مشخص کند. همچنین اگر برای تشخیص خوب از بد و خوب از خوب‌تر یا بد از بدتر است، باید زمینه این درک برای او فراهم شود و مثلاً بتواند همه سخنان را بشنود و نظریه‌ها را ببیند تا بتواند بهترین‌ها را گزینش کند که فرمود: «پس بشارت ده به آن بندگان من که: به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند»<sup>۱</sup>.

**ج)** از دستبرد و تأثیر تعبد، تقلید، تعصب، حُب و بغض مفرط، هوای نفس و خرافات مصون ماند که اینها مانع شکوفایی و کارکرد آن می‌شوند.

**د)** از روش‌هایی که در عرصه علم و عمل برای تحقق اهدافش ارائه می‌کند پیروی نماید.

### عرصه علم

عقل در عرصه علم -که هدف کسب دانش است- از روش‌های تحقیق و پژوهش استفاده می‌کند. در موضوعات تجربی از روش تجربی و در موضوعات غیرتجربی از روش‌های منطقی.

۱. قَبَشْرُ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ، سوره زمر: ۳۹، آیات ۱۷ و ۱۸.



## عرصه عمل

در عرصه عمل - که هدف غایی تحقق موضوع است - پس از شناخت موضوع و ملاک عمل (در مواردی که به ملاک لزوم و وجوب می‌رسد) و شرایط و موانع تحقق و تعیین فرآیند عملی با استفاده از الگوی مناسب و برنامه‌ریزی و عمل به هدف غایی دست یابد. شکی نیست که نیازها و مطلوبات انسان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بسیارند. مثلاً در عرصه اقتصادی گاه از پس مطالعه و شناخت وضعیت فعلی و تصدیق عقب‌ماندگی اقتصادی و تأثیر قطعی آن بر افزایش نرخ فقر، بیماری، افت شاخص‌های رفاه، سلامت، بهداشت و آموزش، افزایش بیمار و هزینه‌های درمانی، فروپاشی اخلاقی، مهاجرت، فرار مغزها و رشد جرائمی مانند دزدی، اختلاس، خودفروشی، افزایش آمار طلاق و فروپاشی خانواده، ضعف بنیه نظامی و... به لزوم رشد اقتصادی در حد نرخ مثلاً ۷ درصد می‌رسد.

در مرحله بعد لازم است علل و اسباب موجد این رشد و موانع رسیدن به آن را شناسایی و با توجه به همه عوامل بازدارنده، ظرف زمانی تحقق آن را نیز مشخص کند. پس اگر از جمله علل و اسباب آن تأمین سرمایه، تکنولوژی مورد نیاز، نیروی کار ماهر و متخصص، امنیت فضای کسب و کار، تولید کالای مورد نیاز، عرضه کالا به قیمت مناسب و رقابت‌پذیر، وجود بازار جهانی، زمینه تجارت و دادوستد خارجی، بازاریابی و جلب اعتماد متقاضی و... باشد، باید همه اینها را فراهم سازد و اگر موانعی در سر راه تحقق هریک از این عناصر وجود دارد، آنها را نیز از پیش‌رو بردارد. با آغاز به فعالیت، اولین آثار آن را در افزایش نرخ رشد مشاهده می‌کند. اگر پیش‌بینی‌ها را به‌درستی انجام داده و در دفع موانع احتمالی و اقدام هماهنگ با سایر بخش‌های اقتصاد موفق باشد

می‌تواند به رشد مورد نظر در ظرف زمانی پیش‌بینی شده دست یابد.

در موضوع رشد و توسعه فرهنگی نیز این‌گونه است که پس از شناخت وضعیت و کشف علل و عوامل مؤثر در رکود یا پسرفت فرهنگی و نیز علل و عوامل مؤثر در احیا و پیشرفت آن می‌تواند با برنامه‌ریزی و زمانبندی صحیح و عملکرد مناسب به اهداف دست یابد.

این شیوه در موضوع هدایت انسان در قرآن نیز مشاهده می‌شود. هدایت متوقف است بر شناساندن موضوع هدایت که انسان<sup>۱</sup> است و تبیین راه رشد<sup>۲</sup> و بیان شرایط رهرو مانند تقوا،<sup>۳</sup> ایمان،<sup>۴</sup> تزکیه نفس<sup>۵</sup> و برنامه عمل و نمودهای عملی مانند اقامه نماز، انفاق مال<sup>۶</sup> و عمل و رسیدن به غایت از یکسو و بیان راه ناصواب و خصوصیات رهرو آن مانند آلودگی نفس<sup>۷</sup> به کفر، خودخواهی و جهل و نمودهای انحراف او از راه رشد مانند تبعیت از هوای نفس، شیطان،<sup>۸</sup> فجور، ظلم<sup>۹</sup> و تعدی از سوی دیگر.

۱. در آیات بسیار انسان و استعدادهای او شناسانده شده است مانند: وَخَلِقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا ﴿نساء: ۲۸/۴﴾، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿ابراهیم: ۳۴/۱۴﴾، وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿کهف: ۵۴/۱۸﴾، وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا، (شمس: ۹۱، آیات ۷ و ۸).

۲. قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ، سوره بقره: ۲، آیه ۲۵۶.

۳. هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، سوره بقره: ۲، آیه ۲.

۴. الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ. همان، آیه ۳.

۵. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، سوره شمس: ۹۱، آیه ۹.

۶. وَ يُتِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ، سوره بقره: ۲، آیه ۳.

۷. وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا، سوره شمس: ۹۱، آیه ۱۰.

۸. إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ، سوره يوسف: ۱۲، آیه ۵.

۹. إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا، سوره احزاب: ۳۳، آیه ۷۲.



## کشف ملاک در عرصه عمل

از دید عقل زمانی انسان می‌تواند به انجام عملی اقدام کند که مصلحت و مفسده و خیر و شر آن را بداند انسان مصالح و مفاسد خود را یا از خدا و پیامبر می‌گیرد یا با توسل به عقل و یا به واسطه مطالعه شخصی است یا با مشورت و پرسش از دیگران. در کتاب و سنت نیز این روش عقلانی مورد تأکید قرار گرفته است که به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. در کلام وحی آمده است: به طعام خودتان نگاه کنید: فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ<sup>۱</sup> نظر به طعام یا سطحی است که چندان کارآمد نیست یا عمیق و ناشی از تجزیه و تحلیل مواد و کشف آثار خوب یا زیانبار که به حکم عقل از آثار خوب بهره می‌برد و از آثار زیانبار خودداری می‌کند.

۲. در برخی آیات می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً»<sup>۲</sup> آیا در زمین نگردیده‌اند تا فرجام [کار] کسانی را که پیش از ایشان [زیسته] و نیرومندتر از ایشان بودند بنگرند؟». از این آیه و آیات ۱۰۹ سوره (۱۲) و ۹ سوره (۳۰) و ۴۴ سوره (۳۵) و ۲۱ و ۸۲ سوره (۴۰) و ۱۰ سوره (۴۷) به اصطلاح امروزی‌ها مطالعه جامعه‌شناسانه استفاده می‌شود.

در این آیات مطالعه جوامع، روابط قدرت، استفاده از قدرت نظامی و سیاسی یا اقتصادی و کشف علل و عواملی که موجب بقای قدرت جوامع و نظام‌های سیاسی و اضمحلال آنها می‌شود را مطرح می‌کند.

۳. در برخی آیات می‌فرماید: مشورت کنید. مشورت نیز یا برای کشف ملاک رفتار

۱. سوره عبس: ۸۰، آیه ۲۴.

۲. سوره فاطر: ۳۵، آیه ۴۴.

است یا برای علم به شیوه رفتاری که محقق مصالح و بازدارنده از مفسد است. بهره‌گیری از تجارب و دانش دیگران در این زمینه بسیار راهگشاست و در این مورد می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا: آیا در زمین گردش نکرده‌اند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن بیاندیشند»<sup>۱</sup> و می‌فرماید: «فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: پس اگر نمی‌دانید از اهل ذکر بپرسید»<sup>۲</sup>.

در روایات نیز آمده است که امام رضا (ع) فرمودند: «ما این‌گونه می‌یابیم که خدا هر چیزی را که حلال ساخته به صلاح بشر بوده و بقای وی به آن بستگی دارد و از آن بی‌نیاز نیست و چیزهایی را حرام کرده که بشر به آن نیاز نداشته و موجب فساد و نابودی و مرگ او است»<sup>۳</sup>.

از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمودند: «علم را گرچه در چین بجوید»<sup>۴</sup> و علم به ملاک، بخشی از علوم است که تحصیل آن پسندیده است حتی اگر از غیرمسلمانان به‌دست آید. نیز نقل است که فرمودند: حکمت گمشده مؤمن است هر جا آن را بیابد کسب می‌کند»<sup>۵</sup>.  
آیا شیوه بهره‌گیری از عقل نمونه عینی دارد؟

در این قسمت نمونه عینی استفاده از عقل در سیره پیامبر (ص) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. سوره حج: ۲۲، آیه ۴۶.

۲. سوره نحل: ۱۶، آیه ۴۳.

۳. امام رضا (ع): انا وجدنا كل ما احل الله ففیه صلاح العباد و بقائهم و لهم اليه الحاجه و لا يستغنون عنها و وجدنا المحرم من الأشياء لا حاجة بالعباد إليه و وجدناه مفسدا داعيا إلى الفناء و الهلاك، بحار الانوار، ج ۶، ص ۹۳.

۴. قال النبي (ص): اطلبوا العلم و لو بالصين، بحار الانوار، ج ۱، صص ۱۷۷ و ۱۸۰.

۵. قال النبي (ص): الحكمة ضاله المؤمن يأخذها حيث وجدها، همان، ج ۲، ص ۱۰۵.



### نحوه بهره‌گیری از عقل در سیره پیامبر اسلام (ص)

از آنجا که مصداق اکمل افراد از حیث بهره‌گیری از عقل پیامبر خاتم (ص) است با تمرکز بر شیوه بهره‌گیری آن حضرت از عقل بحث را دنبال می‌کنیم؛ چراکه نبی مکرم اسلام در عالی‌ترین سطح برخورداری از عقل بودند و به همین جهت خداوند او را به پیامبری مبعوث کرده است: «خداوند هیچ نبی و رسولی را مبعوث نکرد تا اینکه عقل او را به کمال رساند و عقل او از عقل همه امتش برتر بود»<sup>۱</sup> و او را به‌عنوان الگوی نیکو در هر زمینه‌ای معرفی نمود چنان‌که می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ: قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست»<sup>۲</sup>. پس برای ما به‌عنوان مسلمان و مؤمن شایسته است شیوه پیامبر را -که صاحب عقل در کامل‌ترین حد آن است- مورد مطالعه قرار دهیم.

براساس شواهد موجود آن حضرت در زمینه نیاز به دانش و پاسخ به پرسش‌هایی<sup>۳</sup> که از وی در مورد خدا، حقایق امور و اصول و احکام عملی می‌شد از دو منبع با دو روش بهره می‌گرفتند:

۱. از طریق وحی و ارتباط با خدا که در این مورد قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ: خدا کتاب و حکمت بر تو نازل کرد و آنچه را نمی‌دانستی به تو آموخت» و نیز فرمود: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا

۱. لایبخت الله نبياً و لارسلأ حتى يستكمل العقل و يكون عقله افضل من جميع عقول امته، کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۳.

۲. سوره احزاب: ۳۳، آیه ۲۱.

۳. پرسش‌های بسیاری در قرآن درباره خدا: وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي (بقره: ۲، آیه ۱۸۶)، آخرت: يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ (احزاب: ۳۳، آیه ۶۳). يَسْأَلُونَ أَبَانَ يَوْمَ الدِّينِ (۱۲/۵۱). رُوح: وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ (اسراء: ۱۷، آیه ۸۵) نوع رفتار عبادی و غیرعبادی فردی و اجتماعی: يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتٌ لِلنَّاسِ وَالْحَجَّ (۱۸۹/۲)، يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ (بقره: ۲، آیه ۲۱۹)، يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ (مائده: ۵، آیه ۴)، يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ (بقره: ۲، آیات ۲۱۵ و ۲۱۹) وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى (بقره: ۲، آیه ۲۲۰) وجود دارد.

۴. سوره نساء: ۴، آیه ۱۱۳.

كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ: <sup>۱</sup> و همین‌گونه روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم تو نمی‌دانستی کتاب چیست و نه ایمان [کدام است].»

اما اینکه خداوند فرموده است: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» <sup>۲</sup> منظور این است که پیامبر (ص) از روی هوای نفس و با شاخص‌های آن سخن نمی‌گوید و نطق‌های آن حضرت هرگاه متأثر از هوای نفس نباشد وحی است؛ چراکه سخنان برخاسته از عقل پیامبر (ص) نیز ذیل وحی قرار می‌گیرند. در برخی آیات در کنار «أَطِيعُوا اللَّهَ» <sup>۳</sup> می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» <sup>۴</sup> اطاعت از خدا در وحی است و اطاعت از رسول در عقل پیامبر (ص) است.

۲. با بهره‌گیری از عقل خویش با اینکه عقل پیامبر (ص) در عالی‌ترین حد کمال بود به‌گونه‌ای که می‌توانست با فرشته وحی در ارتباط باشد، اما هر چیزی را که بالفعل نمی‌دانستند <sup>۵</sup> از وحی بهره نمی‌گرفتند. چنان‌که کلام وحی می‌فرماید: «وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثَرْتَ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ» <sup>۶</sup> اگر غیب می‌دانستم قطعاً خیر بیشتری می‌اندوختم و هرگز به من آسیبی نمی‌رسید؛ از این‌رو در بسیاری از امور از عقل خویش بهره می‌گرفتند. به‌عبارت دیگر لازم نبود که پیامبر (ص) در هر موضوعی از خدا بی‌پرسد، بلکه در برخی موضوعات می‌توانستند از عقل خویش و یا از دانش صاحبان تخصص و خبره بهره‌گیری کنند.

۱. سوره شوری: ۴۲، آیه ۵۲.

۲. پیامبر از سر هوای نفس سخن نمی‌گوید، سخن او چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست، سوره نجم: ۵۲، آیات ۳ و ۴.

۳. سوره نساء: ۴، آیه ۵۹.

۴. همان.

۵. عقل و علم متفاوتند عقل توانایی بر تمیز و جداسازی خوب از بد امور است و علم صورت واقعی خوب و بد و ضرر و نفع و بود و نبود امور است.

۶. سوره اعراف: ۷، آیه ۱۸۸.



پیامبر از عارفان به فنون جنگ،<sup>۱</sup> صنعتگران،<sup>۲</sup> طبیبان<sup>۳</sup> و غیر اینها از کسانی که دانش و مهارتی داشتند بهره می‌گرفتند. در آن زمان راهیابی در دریاها و صحراهای پوشیده از شن با ستارگان انجام می‌شد که نیازمند علم و کارآزمودگی بود. خداوند هم فرموده است: «وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ»<sup>۴</sup> آنان به وسیله ستاره راه می‌یابند»<sup>۵</sup>.

عقل به حسب موضوع که اعم از طبیعی، انسانی (فردی یا اجتماعی) یا الهی است روش مناسب فهم آن موضوع را به لحاظ هدفی که دارد پیشنهاد می‌کند.

**الف)** در موضوع طبیعی مانند خوراکی و نوشیدنی انسان از حیث تأثیرات مثبت یا منفی آنها بر سلامت یا بیماری جسم روش تجزیه و تحلیل حسی و تجربی را مطرح می‌کند و در نهایت به لحاظ نتایج به جواز یا عدم جواز استفاده از خوردنی یا آشامیدنی خاصی حکم می‌کند. قرآن با تکیه بر این استعداد عقلانی بشر در کشف سود و زیان

---

۱. پیامبر (ص) در جنگ بدر در منزلی فرود آمد و از اصحاب درباره آن مکان نظر خواست. حباب بن منذر گفت: ای رسول خدا این موضع خوب نیست، افراد را در نزدیک‌ترین چاه آب به دشمن فرود آورید و دهانه چاه‌های دیگر را کور کنیم و حوضی ساخته پر از آب نماییم و با دشمن بجنگیم، درحالی که ما آب داریم و دشمن ندارد». نقل شده که جبرئیل فرود آمد و گفت: «رأی درست همان است که حباب به آن اشاره کرد» ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۷۲، ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۲۲، واقدی، مغازی، ج ۱، ص ۴۰.

۲. از پیامبر اسلام (ص) نقل است که فرمودند: «به کسی که ساختن منبر بلد است بگویند منبری بسازد» ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۴، ص ۳۱۹.

۳. نقل است مردی در زمان رسول الله (ص) زخمی شد، پیامبر (ص) فرمود: «پزشکی فراخوانید گفتند: ای رسول خدا آیا پزشک می‌تواند کاری کند؟ فرمود: بلی: ان رجلاً جرح علی عهد رسول الله (ص) فقال: ادعوا له الطیب فقالوا: یا رسول الله و هل یغنی الطیب من شیء؟ فقال: نعم، بحارا لانوار، ج ۶۲، ص ۷۲.

۴. سوره نحل: ۱۶، آیه ۱۶.

۵. از امام علی(ع) نقل است که پیامبر(ص) درباره آیه «و بالنجم هم یهتدون» فرمودند: مراد ستاره «جدی» است که از میان نمی‌رود [غروب نمی‌کند] و «قبله» بر پایه آن معلوم می‌گردد و به وسیله آن اهل خشکی و دریا راهنمایی می‌شوند، حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۶.

خود می‌فرماید: فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ<sup>۱</sup> پس انسان باید به خوراک خود بنگرد.» چنان‌که به‌منظور کشف حقایق اشیا و علل و غایات نهفته در خلقت آنها مطالعه پیرامون وجودشان را پیشنهاد می‌کند و قرآن نیز به‌لحاظ همین استعداد عقلانی می‌فرماید: أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ، وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ، وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ، وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ<sup>۲</sup> آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده؟ و به آسمان که چگونه برافراشته شده؟ و به کوه‌ها که چگونه برپا داشته شده؟ و به زمین که چگونه گسترده شده است؟». و نیز می‌فرماید: أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ وَالْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ<sup>۳</sup> مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته‌اند که چگونه آن را ساخته و زینتش داده‌ایم و برای آن هیچ‌گونه شکافتگی نیست و زمین را گسترده‌ایم و در آن لنگر [آسا کوه]ها را فرو افکندیم و در آن از هرگونه جفت دل‌انگیز رویانیدیم [تا] برای هر بنده توبه‌کاری بینش‌افزا و پندآموز باشد».

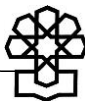
(ب) عقل در موضوع شناخت انسان از حیث رشد عقلی و کسب فضائل نفسانی راه آزمون افراد را مطرح می‌کند و قرآن نیز می‌فرماید: وَأَبْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ<sup>۴</sup> یتیمان را بیازمایید حتی وقتی که به سن زناشویی رسیدند، پس اگر در ایشان رشد [عقلی و عقلی] یافتید اموالشان را به آنان رد کنید» و می‌فرماید: «عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنْتَ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَا لِكِ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ

۱. سوره عبس: ۸۰، آیه ۲۴.

۲. سوره غاشیه: ۸۸، آیات ۱۷ تا ۲۰.

۳. سوره ق: ۵۰، آیات ۶ تا ۸.

۴. سوره نساء: ۴، آیه ۶.



الْكَاذِبِينَ: <sup>۱</sup> خدایت ببخشاید چرا پیش از آنکه [حال] راستگویان بر تو روشن شود و دروغگویان را بازشناسی به آنان اجازه دادی؟».

ج) در امور اجتماعی گاه با استفاده از مشورت با صاحبان خرد و بهره‌گیری از عقل <sup>۲</sup> آنان است تا به صلاح و صواب امر برسد. چنان‌که قرآن هم فرموده است: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ: <sup>۳</sup> با آنان در امور اجتماعشان مشورت کن.»<sup>۴</sup>

و گاه با ارجاع امر به خبرگان چنان‌که کلام وحی نیز در این زمینه می‌فرماید: «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدْعَاؤُهُ بِهٖ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أَوْلِيَ الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ: <sup>۵</sup> و چون خبری [حاکمی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند قطعاً از میان آنان کسانی‌اند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند».

و گاه با تحقیق میدانی و مطالعات اجتماعی، چنان‌که قرآن هم فرموده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ: <sup>۶</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسقی برایتان خبری آورد نیک واری کنید

۱. سوره توبه: ۹، آیه ۴۳.

۲. این معنا غیر از ادراک و عقل جمعی است که اخیراً بر سر زبان‌ها افتاده و مراد از آن نظر اکثریت یا آرای عمومی اکثری است گرچه از ادراک عقلانی فاصله داشته باشد. چنین اکثریتی به‌خودی خود معیار عقلانیت نیست؛ لذا مشاهده می‌شود قرآن آن را نمی‌پذیرد: وَإِن تَطَّعْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ، سوره انعام: ۶، آیه ۱۱۶.

۳. سوره آل عمران: ۳، آیه ۱۵۹.

۴. و برای اینکه امر به مشورت با توجه به ذیل آیه که فرمودند: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» لغو نباشد باید عزم پیامبر (ص) بر نتیجه و حاصل مشاورت با آنها استوار شود.

۵. سوره نساء: ۴، آیه ۸۳.

۶. سوره حجرات: ۴۹، آیه ۶.

مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید. و نیز می‌فرماید: **أَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً**<sup>۱</sup> آیا در زمین نگردیده‌اند تا فرجام [کار] کسانی را که پیش از ایشان [زیسته] و نیرومندتر از ایشان بودند بنگرند؟».

افراد با توجه به همین نکته گاه از تفکیک سخن پیامبر که آیا وحی است یا از خود اوست دچار تردید می‌شدند و از آن حضرت می‌پرسیدند این حرف یا حکم از شماست یا وحی. مانند سؤال سعدین درباره قرارداد غطفان<sup>۲</sup> و سؤال حباب بن منذر درباره موضع پیامبر (ص) در جنگ بدر.<sup>۳</sup>

پس روش خرد آن است که به علم یا اطمینان دست یابد و راه‌های رسیدن به علم و اطمینان عبارتند از:

۱. اتخاذ علم از خداوند به وسیله وحی؛

۲. مشورت با دیگران که به دلالت عقل در حوزه فردی و اجتماعی در مشورت و

۱. سوره فاطر: ۳۵، آیه ۴۴.

۲. در جنگ احزاب پیامبر (ص) قصد کردند ضمن پیمانی یک‌سوم خرماى مدینه را به غطفان واگذار کنند تا از جنگ کنار بکشند پس با سعد بن معاذ و سعد بن عباده رؤسای قبایل اوس و خزرج مشورت کردند و آنها پرسش کردند که آیا این نظر خود پیامبر (ص) است یا دستوری از جانب خداوند؟ ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۲۳۴، ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۸۰، مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۵۱.

۳. پیامبر (ص) در جنگ بدر در منزلی فرود آمد و از اصحاب درباره آن مکان نظر خواست. حباب بن منذر گفت: ای رسول خدا آیا این جایگاهی است که به فرمان الهی انتخاب شده و ما حق پس و پیش رفتن از آن را نداریم یا نظر و جنگ و کید است؟ پیامبر (ص) فرمودند: «جنگ، رایزنی و چاره‌اندیشی است». حباب گفت: ای رسول خدا این موضع خوب نیست، افراد را در نزدیک‌ترین چاه آب به دشمن فرود آورید و دهانه چاه‌های دیگر را کور کنیم و حوضی ساخته پر از آب نماییم و با دشمن بجنگیم، درحالی که ما آب داریم و دشمن ندارد». نقل شده که جبرئیل فرود آمد و گفت: «رای درست همان است که حباب به آن اشاره کرد» ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۷۲، ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۲۲، واقدی، مغازی، ج ۱، ص ۴۰.



پرسش از دیگران باید صاحبان علم و تخصص مورد پرسش قرار گیرند؛

۳. مطالعه موضوعی یا میدانی به تناسب موضوعی که اعم است از موضوع طبیعی یا انسانی (فردی یا اجتماعی) و الهی.

### شاخص‌های استفاده از عقل در نظر و عمل

در مطالب پیشین شیوه استفاده از عقل در کتاب و سنت پیامبر (ص) که در قرآن و روایات منعکس شده بیان شد، اما پیامبر (ص) به اعتقاد ما معصوم است و در استفاده از عقل خطا نمی‌کند، لکن در مورد انسان‌های غیرمعصوم خطا و انحراف جایز و واقع است. لذا باید شاخص‌هایی را بشناسیم تا بتوانیم به‌لحاظ آنها بگوییم آیا در نظر یا عمل به عقل متکی هستیم یا به وهم و ظن و تبعیت از هوای نفس؟

اجمالاً شاخص‌های مستفاد از آیات و روایات در عرصه نظر عبارتند از:

۱. علم؛

۲. ایمان؛

و شاخص‌های عرصه عمل عبارتند از:

۱. تبعیت از علم و ایمان؛

۲. انجام عمل صالح.<sup>۱</sup>

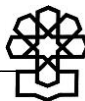
۱. در گزارش بعدی به آن می‌پردازیم.

## نتیجه‌گیری

حاصل سخن آنکه با اشاره به اختلافات اساسی بشر در عقل به لحاظ نظر و عمل، استفاده شد که همه مدعیان عقل از این اصل انسانی معنای یکسان اراده نمی‌کنند حال آنکه اگر همگان از عقل به مفهومی که از آیات و روایات استفاده شد یعنی ادراک بازدارنده از بدی، بهره می‌گرفتند، اختلافات اساسی در میان آنان آشکار نمی‌شد.

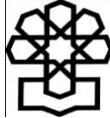
از نظر برخی گوهر عقل مقتضی فضایل اخلاقی، رعایت حقوق و حرکت در مسیر تعالی است. از دید برخی دیگر عقل چیزی است که با آن منافع و مصالح دنیوی، زودگذر و شخصی به هر قیمت تأمین شود گرچه دیگران متضرر گردند که در این صورت روش مستکبران و جباران تاریخ عاقلانه بوده است!

همچنین استفاده شد که اهتمام نقل (کتاب و سنت) بر آن است که عقل انسان شکوفا و از آن استفاده شود و در این صورت عقل خود روش بهره‌گیری از خود را ارائه می‌کند، پس اگر در آیات و روایات گزاره‌ای در این زمینه عرضه شده باشد ارشاد به فهم و حکم عقل است و با این وصف لازم دیده شد که شیوه و چگونگی استفاده از عقل در عرصه علم و عمل بیان و به‌عنوان نمونه‌ای تجربه شده که نحوه بهره‌گیری از عقل در سیره پیامبر (ص) و شیوه قرآنی در آن منعکس شده است ارائه شود و نیز روشن گردید که سعادت، بهروزی و کمال انسان در گرو شکوفایی و حاکمیت عقل و پیروی از الگوی خردمندانه پیامبر بزرگوار اسلام (ص) است.



## منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه محمدمهدی فولادوند، دارالقران الکریم، تهران و برخی ترجمه‌های دیگر.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد. فتح الباری به شرح صحیح البخاری، بیروت، بی‌تا.
۳. ابن هشام، ابومحمد عبدالملک. السیره النبویه، انتشارات ایران، قم، ۱۳۶۰.
۴. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد. الکامل فی التاریخ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۵. اصفهانی، راغب. مفردات الفاظ القرآن، دارالقلم، دمشق، دارالشامیه، بیروت، چاپ اول، ۱۳۹۳ ق.
۶. پولادی، کمال. تاریخ اندیشه غرب، کتاب سوم، قرن بیستم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۳.
۷. حویزی، عبد علی بن جمعه. تفسیر نور الثقلین، مطبعه الحکمه، قم، بی‌تا.
۸. زمخشری، محمود بن عمر. الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التأویل، دارالکتاب العربی، بیروت، بی‌تا.
۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، بی‌تا.
۱۰. طبرسی، شیخ ابی علی الفضل بن الحسن. مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، انتشارات ناصرخسرو، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۵.
۱۱. عمید، حسن. فرهنگ عمید، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷.
۱۲. فیض الاسلام، سید علینقی. ترجمه و شرح نهج البلاغه امام علی (ع)، بی‌تا.
۱۳. فیض کاشانی، مولی محسن. محجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی‌تا.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۶۳.
۱۵. مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار، منشورات المکتبه الاسلامیه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۸ ق.
۱۶. معلوف، لوئیس. المنجد فی اللغه و الاعلام، دارالمشرق، چاپ بیست و یکم، بیروت.
۱۷. واقدی ابوعبدا...، محمد بن عمر. مغازی، ترجمه محمود دامغانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۶.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۵۳۶۴

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: چگونگی بهره‌برداری از عقل در کتاب و سنت

نام دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی (گروه بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین: بهرام شجاعی

ناظر علمی: سیدیونس ادیانی

متقاضی: ریاست مرکز

سرپرستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی:

۱. عقل

۲. بهره‌گیری از عقل

۳. شاخص استفاده از عقل



تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۲/۱۷